

بررسی مقایسه‌ای متن عهدنامه مالک اشتر در سه کتاب نهج البلاغه، تحف العقول و نهایة الإرب

حسین پسندیده*

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی و مقایسه تطبیقی متن عهدنامه در کتب موجود، برای کشف اختلاف این متون و کمک به رسیدن به متنی استوار است. این بررسی و مقایسه از دو منظر قابل توجه می‌نماید: اول، از منظر آماری تا حجم کلی متن‌ها، تفاوت‌ها و اضافات معلوم شده و محلی که متن‌ها به هر نحوی با هم تفاوت پیدا می‌کنند، شناسایی شود؛ دوم، از منظر آسیب شناسی حدیث تا آسیب‌های احتمالی امکان سنجی شده و موارد آن به اجمال گزارش شود.

نتیجه این مقایسه نشان داد بیش از چهل مورد تصحیف، بیست مورد درج، دست کم پنج مورد سبقت و حدود هفتاد مورد تقطیع محتمل است. اضافات فراوان و گاه بسیار مهم و برجسته متن تحف العقول، قرابت نسبی متن نهج البلاغه و نهایة الإرب، تفاوت متون سه‌گانه در موارد متعددی و وجود اضافات اختصاصی برای هر سه متن، از دیگر نتایج این پژوهش است که نشان‌گر چگونگی رابطه بین این سه متن است. همچنین، ادعای تفاوت منابع مورد استفاده این سه کتاب، از دل این نتایج برآمده و دست کم قابل طرح خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: عهدنامه مالک اشتر، نهج البلاغه، تصحیف، تقطیع، درج، سبقت.

درآمد

جایگاه رفیع و بی‌مانند امام علی علیه السلام از یک سو و فرصت تکرار نشده ایشان برای اداره حکومت در عرصه عمل، برای عهدنامه معروف ایشان به سردار بی نظیرشان مالک اشتر، جایگاهی ویژه و خاص را رقم می‌زند. به این دو نکته اصلی باید نکاتی را چون: تشنگی

* دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث.

عصر حاضر برای ارائه مدلی توانا و عادلانه از مدیریت حکومت، رونق نسبی مباحث فقه حکومتی پس از انقلاب اسلامی ایران، معرفی عهدنامه به عنوان سندی بین‌المللی از سوی سازمان ملل و... نیز اضافه نمود که هر کدام به نحوی بر اهمیت این عهدنامه می‌افزایند. نویسندگان این عهدنامه حکیم بلیغی چون امیر مؤمنان علی علیه السلام است که می‌توان بر چرایی استفاده هر کلمه در نوشتارش دلیلی اقامه نمود. همچنین، این متن از ابتدا توسط خود ایشان به صورت مکتوب عرضه شده است و این خود امتیاز مهمی نسبت به سخنان شفاهی معصومان است که بعداً مکتوب شده‌اند. نیز چگونگی به کارگیری تک تک واژگان این متن از امتیازات این عهدنامه است. علاوه بر همه این موارد، شهرت روزافزون عهدنامه نیز به اهمیت موضوع می‌افزاید. نشانه روشن این شهرت، ترجمه‌های فراوان عهدنامه از قدیم الایام تاکنون و افزون بر آن دست کم ۵۶ شرح اختصاصی عهدنامه است که این رقم جدای از ترجمه و شرح عهدنامه در ضمن ترجمه و شرح کتاب *نهج البلاغه* است.

آنچه در این مجال مد نظر است، بررسی و مقایسه تطبیقی متن عهدنامه در کتب موجود برای کشف اختلاف این متون و کمک به رسیدن به متنی استوار است. این بررسی و مقایسه از منظر آسیب شناسی حدیث نیز مهم و کاربردی به نظر می‌رسد که به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهد شد.

منابع عهدنامه

برای یافتن منابعی که عهدنامه در آنها نقل شده است، بهترین راه رجوع به مستندات *نهج البلاغه* است که تا کنون پژوهش‌های خوبی در این زمینه صورت گرفته است. گزیده‌هایی از عهدنامه در کتب غیر از *نهج البلاغه* دیده می‌شود، مانند: *المجالسة وجواهر العلم*، اثر ابوبکر دینوری مالکی (م ۳۳۳ق)؛ *دعائم الاسلام*، اثر قاضی نعمان (م ۳۶۳ق)؛ *السعادة والاسعاد فی السیرة الانسانیة*، اثر ابو الحسن عامری نیشابوری (م ۳۸۱ق)؛ *دستور معالم الحکم*، اثر محمد بن سلامة قضاعی (م ۴۵۴ق) و...

جست و جود در منابع نشان می‌دهد که متن کامل عهدنامه، علاوه بر *نهج البلاغه* تنها در *تحف العقول* و کتاب ادبی *نهایة الإرب* آمده است. لازم است به این سه کتاب نگاهی کوتاه بیندازیم:

الف. *تحف العقول*، اثر ابن شعبه حرانی؛ وی از معاصران شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) است و از محمد بن همام (م ۳۳۶ق) روایت نقل می‌کند. شیخ مفید (م ۴۱۳ق) از زمره شاگردان

وی شمرده می‌شود. علامه مجلسی در باره این کتاب می‌فرماید:

کتاب *تحف العقول* کتابی قدیمی است و نظم این کتاب خود دلیل بر والا بودن شأن مؤلف آن است. بیشتر این کتاب از موعظه و اصول معلوم تشکیل شده است که احتیاجی به سند هم ندارد.^۱

ب. *نهج البلاغه*، گردآوری سید رضی؛ وی در سال ۳۵۹ق، در شهر بغداد به دنیا آمد و در سال ۴۰۶ق، در همان شهر درگذشت و در جوار کاظمین علیهم‌السلام مدفون شد. این که چرا سید رضی نام کتاب خویش را *نهج البلاغه*، گذاشته است، از مقدمه کتاب به خوبی روشن می‌شود. سید رضی - که خود ادیب و شاعری تواناست - چون اعجاز امیر المؤمنین علیه‌السلام را در زمینه بلاغت و فصاحت دید، با جمع‌آوری این کتاب، عظمت امیر المؤمنین علیه‌السلام را در این فضیلت، علاوه بر فضیلت‌های فراوان دیگر، به اثبات رساند. به خاطر رعایت این جنبه است که هیچ‌گونه ترتیب موضوعی برای *نهج البلاغه* قرار داده نشده است. همچنین در ذکر خطبه‌ها و نامه‌ها در بسیاری موارد تقطیع نموده و تنها مقداری از خطبه‌ها را - که بیشتر توجه او را به خود جلب کرده - آورده است.^۲

ج. *نهایة الإرب فی فنون الأدب*، اثر النویری؛ وی این کتاب را قبل از سال ۷۲۱ق، در سی جلد و بیش از ۴۴۰۰ صفحه با رویکردی ادبی تاریخی نگاشته است. النویری در این کتاب خلاصه حدود سی کتاب ادبی مهم را آورده است؛ علاوه بر آن، در کتاب خود، از ۷۶ کتاب خطی و چاپی بزرگان ادب و تاریخ نقل می‌کند.^۳

لازم به یادآوری است که برای انجام این پژوهش از متن *نهج البلاغه* صبحی صالح و متن *تحف العقول* تصحیح شده توسط مرحوم علی اکبر غفاری در برنامه جامع الاحادیث ۳.۵ و متن *نهایة الإرب* در نرم افزار المکتبة الشاملة استفاده شده است.

یافته‌های مقایسه

از آن جا که عهدنامه، در سه کتابی که ذکرشان رفت، کامل آمده است، متن عهدنامه در این سه کتاب به شکل دقیق و حرف به حرف مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل از این مقایسه بسیار جالب و قابل توجه می‌نماید. با توجه به انجام این مقایسه با دورویکرد

۱. نرم افزار جامع الاحادیث ۳.۵، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بخش کتابنامه.

۲. همان.

۳. نرم افزار المکتبة الشاملة، بخش کتابنامه، به نقل از کتاب *منهج النویری فی کتابه نهایة الأرب*، اثر دکتر عبد الحلیم الندوی و کتاب *المراجع العربية العامة والتراث*، اثر دکتر عبد التواب شرف الدین.

آماري و فقه الحدیثی، نتایج به دست آمده در دو گروه «یافته‌های آماری» و «یافته‌های فقه الحدیثی» دسته‌بندی و ارائه می‌شوند.

یافته‌های آماری

حجم کلمات به کار رفته در این سه کتاب با یکدیگر متفاوت است. متن عهدنامه در *نهایة الإرب* حدود ۳۵۰۰ کلمه، در *نهج البلاغه* حدود ۳۸۰۰ کلمه و در *تحف العقول* حدود پنج هزار کلمه است. مقایسه متن عهدنامه در این سه کتاب نشان می‌دهد، کلمات این سه متن نسبت به یکدیگر از چهار حالت خارج نیستند:

۱. همسانی کلمات هر سه متن؛ مراد از این تعبیر مواردی است که در هر سه کتاب متنی کاملاً مطابق و عین یکدیگر ثبت شده است. به تعبیر دیگر، کلمات هر سه متن عیناً مانند یکدیگرند.

حجم این بخش بیش از سه هزار کلمه است. اگر این عدد را نسبت به کل کلمات هر کدام از سه متن بسنجیم، این نتیجه به دست می‌آید: ۸۵ درصد متن *نهایة الإرب*، ۷۹ درصد متن *نهج البلاغه* و شصت درصد متن *تحف العقول* را کلمات همسان تشکیل می‌دهد و در مقابل، پانزده درصد *نهایة*، ۲۱ درصد *نهج* و چهل درصد *تحف* را مجموع تفاوت‌ها و اضافات اختصاصی تشکیل می‌دهند.

۲. تفاوت کلمات هر سه متن؛ مراد از این تعبیر مواردی است که متن ثبت شده در هر سه کتاب با یکدیگر متفاوت است. به تعبیر دیگر، سه متن متفاوت در پیش روی ما قرار دارد.

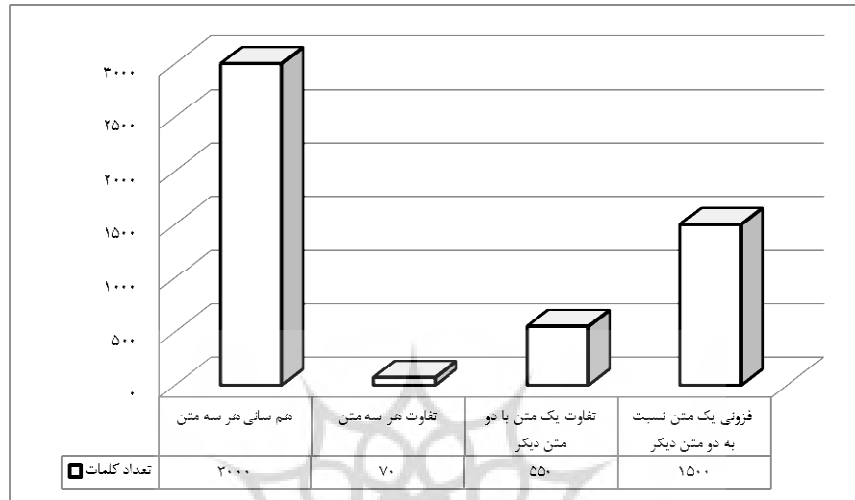
حجم این بخش - که کلمات هر سه متن متفاوت از یکدیگرند - حدود هفتاد کلمه و در ۲۵ مورد است.

۳. تفاوت کلمات یک متن با دو متن دیگر؛ از آنجا که در این مقایسه سه کتاب با یکدیگر مقایسه می‌شوند، علاوه بر تفاوت هر سه متن - که در شماره قبل توضیح داده شد - حالت دیگری نیز متصور است: تفاوت یک متن با دو متن یکسان و همانند. به تعبیر دیگر، در این موارد دو متن کاملاً یکسان و یک متن متفاوت از آن دو وجود دارد.

حجم این بخش - که کلمات یک متن با دو متن همسان دیگر تفاوت دارد - حدود ۵۴۰ کلمه و در ۱۸۵ مورد است؛

۴. فزونی کلمات یک متن نسبت به دو متن دیگر؛ مراد از این تعبیر، مواردی است که یک متن جمله یا کلمه‌ای افزون بر دو متن دیگر دارد. به تعبیر دیگر، کلمه یا کلماتی در

یک متن وجود دارد که در دو متن دیگر اساساً وجود ندارد. حجم این بخش بیش از ۱۵۰۰ کلمه و در ۷۵ مورد است.



از آن جا که این مقایسه سه طرف دارد، می‌توان برای قسم سوم و چهارم اطلاعات آماری تفصیلی تری ارائه نمود تا در تحلیل بهتر نتایج مقایسه به کار آید.

در قسم سوم گفته شد که دو متن همسان بوده و متن دیگر با آن دو متفاوت است. با توجه به این که هر کدام از این سه کتاب می‌تواند متنی متفاوت از دو کتاب دیگر داشته باشد. پس رخ دادن سه حالت ممکن و محتمل است و البته پس از مقایسه روشن شد که فراتر از امکان و احتمال، هر سه حالت در عالم واقع هم اتفاق افتاده است.

این سه حالت با چنین حجم آماری رخ داده است:

۱. حالت اول، آن جایی است که متن *نهج البلاغه* با دو متن دیگر تفاوت دارد و البته دو متن دیگر کاملاً با یکدیگر همسان هستند. این حالت در دوازده مورد با حجم حدودی کلمه قابل شناسایی است؛ به عنوان نمونه به این جمله در هر سه متن دقت کنید:

نهج البلاغه	تحف العقول	نهاية الإرب
ولیکن أبعد رعیتک منک و أشئأهم عندک أطلبهم لعمایب الناس	ولیکن أبعد رعیتک منک و أشئأهم عندک أطلبهم لعیوب الناس	ولیکن أبعد رعیتک منک و أشئأهم عندک أطلبهم لعیوب الناس

۲. حالت دوم جایی است که متن *تحف العقول* با دو متن همسان دیگر تفاوت دارد. این

حالت در ۱۲۱ مورد با حجم حدود ۴۳۰ کلمه رخ داده است؛ نمونه:

نهج البلاغه	تحف العقول	نهاية الإرب
فاتخذ أولئك خاصة لخلواتك و <u>حفلاتك</u>	فاتخذ أولئك خاصة لخلوتك و <u>ملاتك</u>	فاتخذ أولئك خاصة لخلواتك و <u>حفلاتك</u>

۳. حالت سوم جایی است که متن **نهاية الإرب** با دو متن دیگر - که البته آن دو با هم همسان اند - تفاوت دارد. این حالت در ۳۹ مورد با حجم حدود هشتاد کلمه اتفاق افتاده است؛ از جمله:

نهج البلاغه	تحف العقول	نهاية الإرب
فاستر العورة ما استطعت يستر الله <u>منك ما تحب ستره من رعيتك</u>	واستر العورة ما استطعت يستر الله <u>منك ما تحب ستره من رعيتك</u>	فاستر العورة ما استطعت يستر الله <u>ما تحب ستره من عبيك</u>

مجموع اطلاعات آماری در باره ۵۴۰ موردی را که یک متن با دو متن دیگر تفاوت دارد، می توان در نموداری این چنین ارائه نمود:

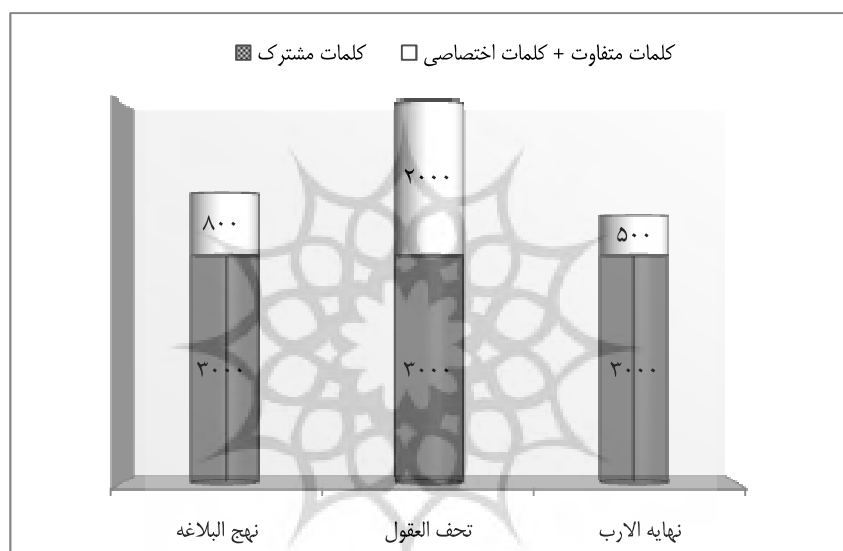


۴. قسم چهارم مواردی است که اضافاتی در یک متن دیده می شود که این محتوا در دو متن دیگر اساساً وجود ندارد. به تعبیر، دیگر مواردی که اضافات اختصاصی یک متن هستند. حجم اضافاتی که در هر کدام از این کتب های سه گانه دیده می شود بدین شرح است:

- یک. دو کلمه در متن **نهج البلاغه** به صورت اختصاصی وجود دارد.
- دو. دو کلمه در متن **نهاية الإرب** به صورت اختصاصی وجود دارد.
- سه. ۱۵۰۰ کلمه در متن **تحف العقول** به صورت اختصاصی وجود دارد.

اختصاصی نهج‌البلاغه	اختصاصی تحف‌العقول	اختصاصی نهج‌الایرب	تفاوت هر سه با هم	تفاوت هر دو با نهایه‌الایرب	تفاوت هر دو با تحف‌العقول	تفاوت هر دو با نهج‌البلاغه	مجموعی هر سه با هم
۲ کلمه	۱۵۰۰ کلمه	۲ کلمه	۷۰ کلمه	۸۰ کلمه	۴۳۰ کلمه	۳۰ کلمه	۳۰۰۰ کلمه

خلاصه یافته‌های آماری را می‌توان در چنین نمودار و جدولی به نمایش گذاشت:



آنچه گذشت، اضافات فراوان متن *تحف‌العقول* و قرابت نسبی متن *نهج‌البلاغه* و *نهایه‌الایرب* را نشان می‌دهد. بیشترین میزان اضافات اختصاصی، مربوط به متن *تحف‌العقول* است؛ اضافاتی که در مقام معنا و محتوا گاه بسیار مهم و برجسته دیده می‌شوند که در بخش فقه الحدیث بدان اشاره خواهیم کرد.

در موارد متعددی نیز تفاوت متون سه‌گانه بدین گونه است که مثلاً در ابتدای جمله امام علیه السلام دو متن *تحف‌العقول* و *نهج‌البلاغه* با هم یکسان و متن *نهایه‌الایرب* با آن دو متفاوت است و در پایان همان جمله متن *نهج‌البلاغه* و *نهایه‌الایرب* یکسان و با متن *تحف‌العقول* تفاوت دارد. برای روشن شدن هر چه بهتر موضوع ذکر یک نمونه لازم و ضروری است. این جمله انتخابی از متن عهدنامه که از توصیه‌های امام علیه السلام درباره نظامیان است، در سه کتاب

بدین شکل آمده است:

نهج البلاغه	تحف العقول	نهاية الإرب
فإن كثرة الذكر لحسن أفعالهم (۱)	فإن كثرة الذكر منك (۲) لحسن	فإن كثرة الذكر لحسن فعالهم تهز
تهز الشجاع وتحرض الناكل إن شاء الله	فعالهم تهز الشجاع وتحرض الناكل إن شاء الله	الشجاع وتحرض الجبان (۳) إن شاء الله

(۱) این کلمه در متن **نهج البلاغه** با دو متن دیگر تفاوت دارد؛

(۲) این کلمه در متن **تحف** با دو متن دیگر تفاوت دارد؛

(۳) این کلمه در متن **نهاية** با دو متن دیگر تفاوت دارد.

این مثال از این جهت نیز قابل توجه است که هر سه گونه از تفاوت یک متن با دو متن دیگر، در یک جمله گرد آمده و دیده می شود.

موارد متعددی از این دست، به علاوه مواردی که هر سه متن با یکدیگر تفاوت دارند، به خوبی مؤید این معنا هستند که چه بسا - تأکید می شود چه بسا - منابعی که این سه کتاب از آن استفاده کرده اند، متفاوت بوده اند.

یافته های فقه الحدیثی

پس از دست یابی به آمار تفاوت ها و اضافات این سه متن نسبت به یکدیگر، لازم است با رویکردی فقه الحدیثی و آسیب شناسانه این تفاوت ها و اضافات مورد توجه قرار گیرند. روشن است که در موارد تفاوت ها گروهی از آسیب ها محتمل است و در موارد اضافات گروه دیگری از آسیب ها، اما با بررسی موارد موجود و امکان سنجی وقوع آسیب های محتمل در هر گروه روشن شد. در بخش تفاوت های این سه متن آسیب تصحیف به شکل چشم گیری محتمل است و در بخش اضافات سه آسیب مهم و تأثیرگذار درج، سقط و تقطیع. شناسایی موارد محتمل هر کدام از این آسیب ها می تواند به تشخیص متن صحیح تر و استوارتر کمک کند. در این جا تفاوت ها و اضافات با تفکیک آسیب احتمالی، دسته بندی شده و به آن اشاره می شود:

۱. موارد احتمالی تصحیف؛ در تعریف تصحیف آمده است:

تصحیف لفظی، هنگامی رخ می دهد که الفاظ متن یا سند، به الفاظ دیگری که مشابه آن است، تغییر کند. این تشابه، ممکن است در شنیدن یا دیدن باشد؛ یعنی گاهی صورت گفتاری آن الفاظ، شبیه یکدیگر است و گاهی

شکل نوشتاری آنها.^۴

در مقایسه سه متن با یکدیگر نمونه‌های فراوانی، بیش از چهل مورد، به چشم می‌خورد که در آنها احتمال تصحیف می‌رود. نکته جالب آن که گاه در هر سه متن، سه کلمه متفاوت شبیه به هم به کار رفته است و البته در بیشتر موارد کلمه‌ای از یک متن، متفاوت، اما شبیه دو متن دیگر است. به همین جهت این موارد را در دو جدول جداگانه عرضه می‌کنیم:

جدول اول. مواردی که کلمات هر سه متن متفاوت از یکدیگر اما بسیار به هم شبیه‌اند.

۱	فإن كثرة الإطراء ... تدنى من العزة	فإن كثرة الإطراء ... تدنى من العزة	فإن كثرة الإطراء ... تدنى من العزة
۲	... ما يزيح علته	... ما يزيح علته	... ما يزيح علته
۳	أقل في المطامع إشرافا	أقل في المطامع إشرافا	أقل في المطامع إشرافا
۴	... من إجمالك لهم	... من الجمام	... من إجمالك لهم
۵	فإن الرجال يتعرضون لفراسات الولاة بتصنعهم	فإن الرجال يعرفون فراسات الولاة بتصنعهم	فإن الرجال يتعرضون لفراسات الولاة بتصنعهم

همان‌طور که مشاهده شد، در این پنج مورد هر سه متن از کلمات متفاوت، اما بسیار شبیه به هم استفاده کرده‌اند که گاه تفاوت معنایی چندانی ایجاد نمی‌کنند؛ مثل مورد چهارم. و گاه به نظر می‌رسد تغییر معنایی هم به دنبال داشته باشند؛ مانند مورد پنجم. جدول دوم. مواردی است که کلمه‌ای از یک متن با دو متن دیگر متفاوت اما بسیار شبیه به هم آمده است.

۱	فإن البخل والجبن والحرص غرائز شتى	فإن البخل والجبن والحرص غرائز شتى
۲	ممن له مثل آرائهم ونفادهم	ممن له مثل آرائهم ونفادهم
۳	فاتخذ أولئك خاصة لخلواتك و حفلاتك	فاتخذ أولئك خاصة لخلواتك و حفلاتك
۴	لا تحدثن سنة تضر بشيء من ماضى تلك السنن	لا تحدثن سنة تضر بشيء من ماضى تلك السنن
۵	أكثر مدارس العلماء و مناقشة الحكماء	أكثر مدارس العلماء و مناقشة الحكماء
۶	... يؤتمنون عليه من خواص الأمور	... يؤتمنون عليه من خواص الأمور

۴. رک: آسیب شناخت حدیث، بخش آسیب‌های ماده پژوهش، فصل مرحله نقل حدیث، مسعودی عبدالهادی، قم، مرکز چاپ و انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۸.

٧	... فيما يجتمعون عليه من مراقبتهم	... فيما يجتمعون من مراقبتهم
٨	... ممن يبطن عن الغضب ويستريح إلى العذر	... ممن يبطن عن الغضب ويسرع إلى العذر
٩	أفضل قرة عين الولاة استقامة العدل في البلاد	أفضل قرة العين للولاة استفاضة العدل في البلاد
١٠	... بسلامة صدورهم	... بسلامة صدرهم
١١	قلة استئصال دولهم	قلة استئصال دولتهم
١٢	فإن كثرة الذكر لحسن أفعالهم...	فإن كثرة الذكر منك لحسن فعالهم...
١٣	ولا يدعونك ... ولا ضعة امرئ إلى أن تستصغر من بلائه ما كان عظيما	ولا يدعونك ... ولا ضعة امرئ على أن تصغر من بلائه ما كان عظيما
١٤	والرد إلى الرسول الأخذ بسنته الجامعة غير المفرقة	والرد إلى الرسول الأخذ بسنته الجامعة غير المفرقة
١٥	ولا تمحكه الخصوم ...	ولا تسمكه الخصوم ...
١٦	ولا يتمادى في الزلة	ولا يتمادى في الذلة
١٧	وأصرمهم عند انضاح الحكم ...	وأصرمهم عند إيضاح الحكم ...
١٨	ممن لا يذهيه إطرأ ولا يستميله إغراء	ممن لا يذهيه إطرأ ولا يستميله إغراق
١٩	فإن العمران محتلم ما حملته	فإن العمران يحتمل ما حملته
٢٠	... وإنما يعوز أهلها لإشراف أنفس الولاة	... وإنما يعوز أهلها لإسراف الولاة
٢١	ثم انظر في حال كتابك	ثم انظر في حال الكتاب
٢٢	... والمترفق بيده	... والمترفق بيده
٢٣	فإنهم سلم لا تخاف بائقته و صلح لا تخشى غائلته	فإنهم سلم لا تخاف بائقته و صلح لا تحذر غائلته
٢٤	... فتتواضع فيه لله الذي خلقك تتواضع فيه لله الذي رفعك ...
٢٥	وتتعد عنهم جنك وأعوانك ...	وتتعد عنهم جنك وأعوانك ...
٢٦	حتى يكلمك متكلمهم غير متتبع فإني سمعت رسول الله ص يقول في غير موطن لن تقدس أمة لا يؤخذ للضعيف فيها حقه من القوى غير متتبع	حتى يكلمك متكلمهم غير متتبع فإني سمعت رسول الله ص يقول في غير موطن لن تقدس أمة لا يؤخذ للضعيف فيها حقه من القوى غير متتبع
٢٧	منها إجابة عمالك بما يعيا عنه كتابك	إجابة عمالك بما لا يغني عنه كتابك
٢٨	... كاملا غير مثلوم ولا منقوص	... كاملا غير مثلوب ولا منقوص
٢٩	كيف أصلى بهم ...	كيف نصلى بهم ...
٣٠	فلا تطولن احتجاجك عن رعيتك	فلا يطولن احتجاجك عن رعيتك
٣١	... إذا أيسوا من بذلك	... إذا يئسوا من ذلك
٣٢	... مع تفرق أهوائهم وتشتت آرائهم في تفرق أهوائهم وتشتت أديانهم ...
٣٣	وقد جعل الله عهده و ذمته أمنا أفضاه بين العباد برحمته و حرما يسكنون إلى	وقد جعل الله عهده و ذمته أمنا قضاة بين العباد برحمته و حرما يسكنون إلى منعتة
٣٤	لا تستقبل	لا تستقبل

۳۵	والله مبتدئ بالحکم بین العباد فیما <u>تسافکوا</u> من الدماء	والله مبتدئ بالحکم بین العباد فیما <u>یتسافکون</u> من الدماء
۳۶	فلا <u>تقوین</u> سلطانک بسفک دم حرام	فلا <u>تصونین</u> سلطانک بسفک دم حرام
۳۷	والتغابی عما <u>تعنی</u> به ...	والتغابی عما <u>یعنی</u> به ...
۳۸	إیاک والعجلة بالأمور قبل أوانها أو <u>التسقط</u> فیها عند <u>إمكانها</u> أو اللجاجة فیها إذا تنكرت أو الوهن <u>عنها</u> إذا <u>استوضحت</u>	إیاک والعجلة بالأمور قبل أوانها و <u>التساقط</u> فیها عند <u>زمانها</u> و اللجاجة فیها إذا تنكرت و الوهن <u>فیها</u> إذا <u>أوضحت</u>

آنچه گذشت، نگاهی گذرا بود به مواردی که احتمال تصحیف در آنها قابل اعتنا است. بررسی موردی و تک تک این‌ها مجالی غیر از این مقال را می‌طلبد.

ممکن است این تصور پیش آید که موارد جزئی اختلافات (چه موارد احتمالی تصحیف و چه غیر آن مانند درج و سقط)، مانند تفاوت در حروف و مانند آن اهمیت بالایی نداشته باشد، اما این گونه نیست و مواردی می‌توان یافت که حتی این تفاوت‌های جزئی به تغییر معنا منجر شود؛ نمونه‌ای از این را در تفاوت متن عهدنامه در این سه کتاب می‌توان یافت. امام علیه السلام ابتدا اشاره می‌کنند که جامعه از گروه‌ها و طبقات گوناگون چون تاجران قاضیان نظامیان کتاب و... تشکیل شده‌اند. سپس می‌فرمایند خدا برای هر کدام سهمی قرار داده است و در ادامه جمله‌ای می‌فرمایند که در هر سه متن با یکدیگر تفاوت‌های بسیار جزئی دارد، اما معنا تحت تأثیر همین تفاوت‌ها تغییر می‌کند. این جمله در این سه کتاب این گونه آمده است:

نهج البلاغه	و وضع علی حده فریضة فی کتابه أو سنة نبیه <small>ﷺ</small> عهداً <u>منه</u> <u>عندنا</u> محفوظاً
تحف العقول	و وضع علی حد فریضته فی کتابه أو سنة نبیه <small>ﷺ</small> و عهداً <u>عندنا</u> محفوظاً
نهاية الإرب	و وضع علی حده فریضته فی کتابه و سنة نبیه <small>ﷺ</small> عهداً <u>منه</u> محفوظاً

به تعبیر روشن‌تر، اگر سؤال شود سهم و فریضه هر کدام از این طبقات در کجا تنظیم و وضع شده است. جواب این سه متن بدین شکل متفاوت خواهد بود:

نهج البلاغه	قرآن یا سنت نبوی که عهدی است نزد ما محفوظ
تحف العقول	قرآن یا سنت نبوی و عهدی که نزد ما محفوظ
نهاية الإرب	قرآن و سنت نبوی که عهدی است محفوظ

۲. موارد احتمالی درج؛ مطابق آنچه در کتب علوم حدیث آمده است:

درج یعنی عبارتی که جزء حدیث نبوده و به آن، راه یافته باشد. این حالت، علت‌های گوناگونی دارد، اما علت شایع آن، خلط توضیح واسطه‌هایی مانند: راوی، نویسنده و کاتب حدیث، با متن سخن معصوم است. راوی و یا نویسنده، با هدف توضیح یا نتیجه‌گیری، عبارتی را در میان یا پس از نقل حدیث می‌افزاید؛ ولی چون به این افزایش، تصریح نمی‌کند، چه بسا ناقلان بعدی حدیث، آن عبارت را جزء حدیث بیندارند و حدیث را به گونه‌ای نقل کنند که عبارت افزوده شده، با حدیث عجین شود. علت‌های دیگری برای درج وجود دارد؛ مانند: استدلال به قرآن و آوردن آیات هنگام نقل حدیث و آوردن دلیل عقلی و فقهی برای استوارتر کردن محتوا و متن روایت.^۵

از موارد محتمل درج در عهدنامه، اضافه عناوین توصیفی است؛ بدین معنا که پس از نام مبارک (الله) اضافه‌ای در تسبیح و تعزیز خدا آورده شده است. در متن *نهج البلاغه* چهار مورد، در متن *تحف العقول* دو مورد و در متن *نهایة الإرب* ده مورد از چنین اضافاتی به چشم می‌خورد. نکته‌ای که درج بودن این اضافات را قوت می‌بخشد، آن است که:

الف. هیچ موردی یافت نشد که در هر سه متن پس از لفظ جلاله اضافه توصیفی آمده باشد، به جز یک مورد که در آن یک مورد هم اضافه متن *تحف العقول* با اضافه دو متن دیگر تفاوت دارد؛

ب. تفاوت تعداد اضافات در این سه متن، یعنی این که در متنی ده مورد از این اضافات و در متن دیگر دو مورد دیده می‌شود، می‌تواند دلیلی بر وقوع درج از سوی مؤلفین یا کاتبان این کتاب‌ها و یا حداقل مؤید احتمال درج باشد.

علاوه بر این موارد، دو مورد دیگر را نیز می‌توان از موارد احتمالی درج به شمار آورد: مورد اول: در متن *تحف العقول* و *نهایة الإرب* آمده است:

فأعطهم من صفحک و عفوک مثل الذی تحب أن يعطیک الله من عفوه.

اما در متن *نهج البلاغه* اضافه‌ای وجود دارد:

فأعطهم من صفحک و عفوک مثل الذی تحب و ترضی أن يعطیک الله من عفوه.

بر کسانی که با متون حدیثی سر و کار دارند، پوشیده نیست که تعبیر (تحب و ترضی) در موارد متعددی از روایات و ادعیه مأثور با یکدیگر آمده‌اند و در ادبیات نویسندگان دینی

مرسوم و متداول بوده است که توفیق الهی را این گونه مسألت کنند که (اللهم وفقنا لما تحب وترضی). این نشانه‌ها می‌تواند احتمال درج را در این اضافه تقویت کند. مورد دوم: در آخرین جمله عهدنامه امام علیه السلام، برای خود و مالک از خداوند متعال سعادت و شهادت را طلب می‌کند و پس از آن جمله‌ای می‌فرماید که در هر سه متن با یکدیگر متفاوت است. در نهج البلاغه (إنا إليه راجعون)، در تحف العقول (إنا إليه راغبون) و در نهج‌الایرب (إنا لله وإنا إليه راجعون) آمده است. مقایسه این سه متن به روشنی احتمال درج در متن نهج‌الایرب را نشان می‌دهد.

این‌ها مواردی است که احتمال درج، مؤید به برخی قراین و شواهد است.

۱. موارد احتمالی سقط؛ سقط این گونه تعریف شده است:

گونه‌ای تقطیع ناخواسته و در نقطه مقابل درج.^۶

مقایسه تفاوت‌های متن عهدنامه در این سه کتاب، در موارد متعددی امکان سقط را به ذهن متبادر می‌کند که دست کم پنج مورد از این احتمال‌ها قابل توجه می‌نماید. این پنج مورد عبارت‌اند از:

الف. به این دو متن توجه کنید:

نهج‌الایرب	نهج البلاغه و تحف‌العقول
فإنهم صنفان إما أخ فی الدین وإما نظیر لک فی الخلق	فإنهم صنفان إما أخ لک فی الدین وإما نظیر لک فی الخلق

به نظر می‌رسد کلمه «لک» از متن نهج‌الایرب افتاده باشد، علاوه بر وجود این کلمه در دو متن نهج‌الایرب و تحف‌العقول، آمدن این کلمه در شقی دوم إما؛ یعنی «إما نظیر لک فی الخلق»، نیز مؤید احتمال سقط در متن نهج‌الایرب است. به تعبیر دیگر، اگر در متن نهج‌الایرب آمده بود: «إما أخ فی الدین وإما نظیر فی الخلق»، احتمال سقط بسیار کم رنگ بوده و احتمالات دیگری ترجیح داده می‌شد، اما قراین فوق‌الذکر احتمال سقط در متن نهج‌الایرب را افزایش می‌دهد.

ب. این مورد نیز مانند مورد اول است. در متن نهج‌البلاغه و تحف‌العقول آمده است: «ولا تقولن إنی مؤمر أمر فأطاع»، اما در نهج‌الایرب کلمه «إنی» نیامده است.

ج. مورد دیگر احتمالی سقط عبارت است از:

۶. همان.

نهج البلاغه و نهاية الإرب	تحف العقول
أُصِفَ النَّاسُ مِنْ نَفْسِكَ وَمِنْ خَاصَّتِكَ وَمِنْ أَهْلِكَ	أُصِفَ النَّاسُ مِنْ نَفْسِكَ وَمِنْ خَاصَّتِكَ وَمِنْ أَهْلِكَ

از آنجا که برای هر فردی از جمله والی، هم خواصی قابل تصور است و هم اهلی، تحذیر امام نسبت به هر دو صحیح تر و جامع تر به نظر می‌رسد. این که در نسخه برداری از منبع، چنین خطای دیدی اتفاق افتاده باشد کاملاً محتمل است.

د. در متن نهج البلاغه و تحف العقول آمده است:

من ظلم عباد الله كان الله خصمه.

اما در نهاية الإرب کلمه «الله» دوم نیامده است. تکرار کلمه الله در نزدیکی هم، مؤید احتمال سبقت از متن نهاية الإرب است.

ه. بر خلاف چهار مورد بالا که احتمال سبقت، یا در متن نهج البلاغه یا نهاية الإرب وجود داشت، در این مورد احتمال سبقت در متن تحف العقول وجود دارد آن هم با ضمیمه دو قرینه.

نهج البلاغه و نهاية الإرب	تحف العقول
ولیکن أحب الأمور إليك أوسطها في الحق وأجمعها لرضا الرعية	ولیکن أحب الأمور إليك أوسطها في الحق وأعمها في العدل وأجمعها للرعية

قرینه اول: در این جمله سه صفت تفضیلی به کار رفته است که پس از هر کدام جهت تفضیل هم بیان شده است. سؤالی که درباره صفت سوم مطرح است، این که اجمع در جهت رضایت عامه گویاتر است یا اجمع در جهت عامه؟! قرینه دوم: در جملاتی که پس از صفت تفضیلی سوم، بلافاصله و با فاء تعلیل آمده است، در هر سه متن تماماً سخن از رضایت یا نارضایتی عامه و خاصه است و این خود قوی‌ترین مؤید برای احتمال سبقت از متن تحف العقول است؛

فإن سخط العامة يححف برضا الخاصة وإن سخط الخاصة يغتفر مع رضى العامة.

۲. موارد احتمالی تقطیع؛ در بازشناسی معنای تقطیع گفته شده است:

تقطیع درست، یعنی بخش بندی حدیث به ابواب و موضوعات درخور و مناسب با [محتوای] آن، برای احتجاج بهتر، به شرط توجه به حفظ معنای بخش تقطیع شده پیش از تقطیع. بر این اساس، تقطیع نادرست را می‌توان

بخش بندی نادرستی دانست که در پی آن، معنای اصلی محفوظ نماند ... نخستین و شاید مهم ترین اثر تقطیع نادرست متن حدیث، در مرحله فهم حدیث رخ می دهد. نمونه های بسیاری را می توان بر شمرد که به دلیل جدا شدن نادرست بخشی از متن، خواننده و یا مترجم حدیث، دچار اشتباه در فهم و شرح آن شده است ... گام نخست برای پرهیز از آسیب تقطیع، پی بردن به وقوع آن است ... در گام بعد، باید جزء مفقود مؤثراً یافت، که راه آن، استفاده از شیوه تشکیل خانواده حدیث است ...^۷

روشن است که در برخورد با دو متنی که یکی به مقدار قابل توجهی از دیگری حجیم تر است، دو احتمال عقلاً ممکن است: تقطیع و افتادگی مقدار اختلاف یا درج و اضافه مقدار اختلاف. به تعبیر دیگر متن صادره از معصوم علیه السلام یا متن حجیم تر است. پس در متن مختصر تقطیع و افتادگی اتفاق افتاده است و یا متن صادره از معصوم علیه السلام متن مختصر است. پس در متن حجیم اضافه و درج صورت گرفته است. با توجه به جایگاه و موقعیت کتاب *تحف* و مقدار جملات افتاده (بیش از هزار کلمه)، به نظر می رسد امکان اضافه و درج بودن این حجم از اضافات کتاب *تحف العقول* منتفی و غیر قابل قبول باشد. در طرف مقابل، از آن جا که هدف و همت سید رضی گردآوری جملات بلیغ امام علیه السلام بوده است، احتمال تقطیع کلمات امام علیه السلام با این هدف منطقی و قابل قبول است. البته نسبت به کتاب *نهایة الإرب* امکان تقطیع کمی مشکل به نظر می رسد؛ توضیح، آن که اگر چه خلاصه نگاری در این کتاب به وفور دیده می شود، اما هنگامی که به نقل این عهدنامه می رسد، قبل از شروع عهدنامه، نگارنده جمله ای را می نویسد که احتمال وقوع تقطیع در این نقل را بسیار کم و حتی می توان گفت منتفی می گرداند. وی می نویسد:

ولم أرفیما طالعتہ من هذا المعنی أجمع للوصایا، ولا أشمل من عهد کتبه علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - إلی مالک بن الحارث الأشرحین ولأه مصر، فأحببت أن أوردہ علی طولہ و آتی علی جملته و تفصیله، لأن مثل هذا العهد لا یهمل، و سبیل فضله لا یجھل.

ممکن است گفته شود با نفی احتمال تقطیع از این نقل و همچنین قرابت نسبی این متن با نهج البلاغه، امکان تقطیع در *نهج البلاغه* هم تضعیف می شود. در پاسخ باید گفت به هر حال اضافات ۱۵۰۰ کلمه ای *تحف العقول* نسبت به متن این دو کتاب از دو حال

خارج نیست:

الف. تقطیع در نهج البلاغه اتفاق افتاده است و نهیة الإرب از نهج البلاغه اخذ کرده و خود تقطیعی صورت نداده است؛ این احتمال با توجه به مجموع تفاوت‌ها و اضافات این دو متن نسبت به یکدیگر می‌تواند تضعیف شود.

ب. تقطیع در نگارش منبعی اتفاق افتاده باشد که نهج البلاغه و نهیة الإرب از آن اخذ شده‌اند و این دو بدون تقطیع همان را نقل کرده باشند، که البته آن منبع به دست ما نرسیده است.

پس گام نخست که احتمال تقطیع است در هر دو حالت، به روشنی وجود دارد. حال باید این متن را با متن کامل تر، (یعنی متن *تحف العقول* با فزونی بیش از هزار کلمه نسبت به نهج البلاغه)، مقایسه نمود تا دو نکته اصلی از آن به دست آید: اول، شناخت نقاطی که وقوع تقطیع در آن محتمل است؛ دوم، تفکیک تقطیع‌های درست و نادرست از یکدیگر و اشاره به تغییرات معنایی صورت گرفته در تقطیع‌های نادرست. اگر متن عهدنامه با چنین هدفی ملاحظه و واکاوی شود به نتایج قابل توجهی دست می‌یابیم که اشاره به آنها ضروری است.

الف. در بیش از هفتاد نقطه می‌توان وقوع تقطیع را به شکل احتمالی قابل قبول - و در مواردی به شکل احتمالی قوی و قریب به یقین - مطرح و از آن دفاع نمود. ب. در نگاهی کلی و ناظر به محتوای موارد احتمالی تقطیع، می‌توان تقسیمی سه‌گانه از آن ارائه نمود:

یکم. مواردی که جملات حذف شده، از جهت محتوا جملاتی با درجه اهمیت متوسط محسوب شوند؛
دوم. مواردی که از اهمیت بالایی برخوردارند ولی حذفشان تغییر معنایی در متن ایجاد نکرده است؛

سوم. مواردی مهم که حذف به تغییر معنایی منجر شده است.
ج. گونه اول، همان‌طور که گذشت، جملات متوسطی‌اند که حذف شده‌اند. این تقطیع‌ها به نظر تقطیعی درست به نظر می‌رسد، مخّل به معنا نبوده و با غرض خاص تقطیع کننده صورت گرفته است. بیش از یک سوم موارد هفتادگانه در این گروه قرار می‌گیرند. از آن جا که اشاره به همه این موارد از حوصله این مقال خارج است پس به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱. امام علیه السلام پس از آن که به مالک می‌فرماید: «به مردم نگو به من دستور داده شده و من هم به شما دستور می‌دهم. پس باید اطاعت کنید و مضرات چنین بینشی را بر می‌شمرد»، دستور به استعاذه به درگاه الهی می‌دهند؛ جمله‌ای که به نظر می‌رسد تقطیع شده است: «فتعود بالله من درک الشقاء».

۲. در فراز دیگری، پس از آن که از مشورت با بخیل و ترسو و حریص نهی کرده و منشأ این صفات را سوء ظن به خدا بر می‌شمرد، در جمله‌ای وجود این صفات در اشرا را یقینی و حتمی می‌دانند که این جمله توضیحی نیز تقطیع شده است: «کمونها فی الأشرار یقین».

۳. ایشان پس از آن که وظیفه مجازات محترکان را به مالک گوشزد می‌کنند، می‌فرمایند این کار سیره نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بوده است: «فإن رسول الله صلی الله علیه و آله فعل ذلك»؛ جمله‌ای که در نهج البلاغه تقطیع شده است.

۴. چنانچه کيفراشتهایی از سوی تو صورت بگیرد، موقعیت اجرایی ات از ادای حق اولیای مقتول جلوگیری نکند، این توصیه امام علیه السلام است که به دنبال آن حق اولیای مقتول را توضیح می‌دهند؛ توضیحی که تقطیع شده است: «دیه مسلمة یتقرب بها إلى الله زلفی».

۵. امام علیه السلام مالک را از خشم و غضب شدید و آنی پرهیز و به کنترل آن فرمان می‌دهند، اما اولین اقدام برای کنترل خشم چیست؟ امام علیه السلام در جمله‌ای که در نهج البلاغه تقطیع شده است، چنین پاسخ داده‌اند: «وارفع بصرک إلى السماء عند ما یحضرک منه».

همان‌طور که روشن شد، این گونه موارد نه، در رده موارد (بسیار مهم) قرار می‌گیرند و نه حذفشان به معنای کلی متن آسیب رسانده است.

د. گونه دوم؛ یعنی حذف جملاتی که بسیار مهم و کلیدی هستند و در عین حال این حذف به معنای کلی متن و فرازهای قبلی و بعدی خللی وارد نمی‌کند. درستی یا نادرستی این گونه تقطیع‌ها از دو جهت قابل بررسی است. از نگاه کسی که تقطیع نموده است و مثلاً غرضش ارائه برترین جلوه‌های بلاغت در کلام امام علیه السلام بوده است (مانند نهج البلاغه)، آسیبی رخ نداده است. جملاتی که مخّل به معنای متن نبوده‌اند، با غرضی که مد نظر تقطیع کننده بوده، تقطیع شده‌اند. از چنین زاویه‌ای هیچ آسیبی رخ نداده است. حال اگر از این زاویه نگاه کنیم که این متن فرمانی حکومتی است که باید الگوی آیین حکومتی ما قرار بگیرد و پژوهشگران فراوانی برای کشف و بازسازی این الگو در مدل حکومتی امروز تلاش می‌کنند، مسأله متفاوت خواهد بود. این نکته مهم پژوهشگر را وادار می‌کند که به

جست و جوی متن بدون تقطیع بپردازد و اگر به متنی تقطیع شده بسنده و نظریه پردازی و الگوسازی نماید، صد البته به خطا رفته و اولی‌ترین اصل پژوهش صحیح را رعایت ننموده است.

نزدیک به دو سوم موارد محتمل تقطیع در عهدنامه در این گروه قرار می‌گیرند. تنها بررسی همین گروه از موارد احتمالی تقطیع، می‌تواند دست مایه پژوهشی جداگانه و مفصل قرار بگیرد و این نکته نیز کاوش شود که آیا در چنین مواردی، جملات خالی از نکته بلاغی بوده‌اند که تقطیع شده‌اند و یا از نگاه سید رضی بلاغی نبوده‌اند و یا...؛ به هر صورت، در این مجال حتی اشاره اجمالی به همه این موارد و جملات مهم حذف شده امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، چاره‌ای نیست جز اشاره به پنج نمونه از مهم‌ترین جملات تقطیع شده است:

۱. در بین موارد احتمالی تقطیع، دست کم چهار ویژگی مهم و کلیدی درباره کارگزاران درجه یک حاکم به چشم می‌خورد:

من قد تصفح الأمور فعرف مساوئها بما جرى عليه منها.
 لم يكن مع غيرك له سيرة أجمعت بالمسلمين والمعاهدين.
 أحوطهم على الضعفاء بالإنصاف.
 ذوى العقول والأحساب.

علاوه بر این، چهار ویژگی از ویژگی‌های لازم برای قضات (أنفسهم للعلم والحلم والورع والسخاء)، دو صفت از صفات فرماندهان نظامی (أجمعهم علما وسياسة) و یک ویژگی مهم کُتاب درجه یک حکومتی (ممن يصلح للمناظرة فى جلائل الأمور من ذوى الرأى و النصيحة والذهن أطواهم عنك لمكنون الأسرار كسحا) نیز در میان جملات تقطیع شده دیده می‌شود.

پرواضح است که حذف چنین نکات کلیدی، به ارائه یک الگوی جامع و نظام‌مند حکومت‌داری، آسیب فراوان خواهد زد.

۲. از جملات بسیار مهم تقطیع شده، این جمله است: «واقبل العذر وادراً الحدود بالشبهات». اهمیت این جمله حکم بنیادین قضایی بر کسی پوشیده نیست و هنگامی بر اهمیت آن افزوده می‌شود که بدانیم این اصل بنیادین در منابع دیگر یافت نمی‌شود. تقطیع چنین جمله‌ای ما را از توجه به یکی از اصول مبنایی قضاوت محروم می‌کند.

۳. جمله‌ای کارآمد در خصوص تنظیم سیاست خارجی و روابط با دشمنان، در میان

جملات تقطیع شده وجود دارد. در روابط با بیگانگان و دشمنان کدام اصل است؛ حسن ظن یا سوء ظن؟ پاسخ این سؤال در جایی که حالت جنگی بین دو طرف وجود دارد روشن و معلوم است. در حالت صلح با دشمن، این سؤال معنا پیدا می‌کند. پاسخ این سؤال مهم، در جمله‌ای است که تقطیع شده است.

امام علیه السلام ابتدا به مالک تذکر می‌دهند صلحی را که رضایت الهی در آن باشد رد نکند. سپس به شکل بسیار مؤکدی از غفلت از دشمن پس از وقوع صلح تحذیر می‌کنند و سپس این جمله کلیدی را می‌فرمایند که (واتهم فی ذلک حسن الظن)؛ این جا، جای حسن ظن نیست.

۴. لزوم وجود تشکیلاتی برای نظارت بر فرماندهان نظامی و گزارش عملکرد آنان نیز از موارد مهم تقطیع شده است. در جملات تقطیع شده، پس از توصیه‌هایی درباره نظامیان می‌خوانیم:

ثم لا تدع أن یکون لک علیهم عیون من أهل الأمانة والقول بالحق عند الناس
فیثبتون بلاء کل ذی بلاء منهم لیثق أولئک بعلمک بیلائهم.

۵. یکی از وظایف مهم حاکم که البته در متن نهج البلاغه تقطیع شده است، تلاش برای ایجاد وحدت رویه در صدور احکام قضایی است. امام علیه السلام به مالک دستور می‌دهند تا احکام اختلافی در شهرها به حاکم منطقه ارجاع داده شود تا حاکم منطقه با تشکیل کارگروه‌های علمی به حکمی ثابت برسد و در صورت حل نشدن اختلاف مساله به مرکز و حاکم مسلمین ارجاع شود:

واکتب إلی قضاة بلدانک فلیرفعوا إلیک کل حکم اختلفوا فیہ علی حقوقه ثم تصفح
تلک الأحکام فما وافق کتاب الله و سنة نبیه و الأثر من إمامک فأمنه و املههم
علیه و ما اشته علیک فاجمع له الفقهاء بحضرتک فناظرهم فیہ ثم أمض ما یجتمع
علیه أقاویل الفقهاء بحضرتک من المسلمین فإن کل أمر اختلف فیہ الرعیة مردود إلی
حکم الإمام و علی الإمام الاستعانة بالله و الاجتهاد فی إقامة الحدود و جبر الرعیة
علی أمره و لا قوة إلا بالله.

این‌ها نمونه‌هایی از جملات مهم عهدنامه مالک اشتر است که دچار تقطیع شده است.

ه. گونه سوم؛ گونه‌ای از تقطیع‌ها که به تغییر معنایی منجر شده است. قطعاً این گروه از تقطیع‌ها را باید تقطیع نادرست نامید. این گروه اگرچه از جهت فراوانی کم‌شمارند، اما به

دلیل تأثیرگذاری و اخلال در معنای مراد امام علیه السلام از اهمیت خاصی برخوردارند. در اینجا به دو مورد، به اختصار اشاره می‌کنیم:

۱. در فرازی از عهدنامه می‌خوانیم: «فانظر فی ذلك نظرا بليغا». امام علیه السلام مالک را به چه چیزی توجه ویژه داده‌اند؟ قطعاً برای پاسخ این سؤال و معلوم شدن مرجع ضمیر ذلك باید جملات قبل از این جمله را مد نظر قرار داد. حال اگر معلوم شود دقیقاً پیش از این جمله، جملات متعددی با حجم بالای دویست کلمه! تقطیع شده‌اند. آیا مفهوم متن تقطیع شده و متن تقطیع نشده تفاوت اساسی با یکدیگر پیدا نخواهد کرد؟ و این عیناً همانی است که در باره متن **نهج البلاغه و تحف العقول** اتفاق افتاده است.

۲. در باره رسیدگی به یتیمان در عهدنامه نکاتی آمده است که برای شناخت دقیق تفاوت‌ها، لازم است متن **نهج البلاغه و تحف العقول** در کنار هم دیده شود.

متن نهج البلاغه	متن تحف العقول
وتعهد أهل الیتیم وذوی الرقة فی السن ممن لا حيلة له ولا ینصب للمسألة نفسه	وتعهد أهل الیتیم والزمانة والرقة فی السن ممن لا حيلة له ولا ینصب للمسألة نفسه
فأجر لهم أرزاقاً فإینهم عباد الله فتقرب إلى الله بتخلصهم ووضعهم مواضعهم فی أقواتهم وحقوقهم فان الأعمال تخلص بصدق النيات	فأجر لهم أرزاقاً فإینهم عباد الله فتقرب إلى الله بتخلصهم ووضعهم مواضعهم فی أقواتهم وحقوقهم فان الأعمال تخلص بصدق النيات
ثم انه لا تسکن نفوس الناس أو بعضهم إلى أنك قد قضیت حقوقهم بظهور الغیب دون مشافهتک بالحاجات	ثم انه لا تسکن نفوس الناس أو بعضهم إلى أنك قد قضیت حقوقهم بظهور الغیب دون مشافهتک بالحاجات
وذلك على الولاية ثقيل والحق كله ثقيل وقد يخففه الله على أقوام طلبوا العاقبة فصبروا أنفسهم ووثقوا بصدق موعود الله!!	وذلك على الولاية ثقيل والحق كله ثقيل وقد يخففه الله على أقوام طلبوا العاقبة فصبروا نفوسهم ووثقوا بصدق موعود الله

پس از مقایسه این دو متن این سؤال در ذهن جای می‌گیرد که چه چیزی بر حاکم سخت و گران می‌آید؟ به تعبیر دیگر (و ذلك على الولاية ثقيل) یعنی چه؟ پاسخ به این سؤال در متن یاد شده با هم متفاوت خواهد بود. پاسخ **نهج البلاغه** این است که رسیدگی به یتیمان و سالخورده‌گان و... بر حاکم سخت و گران است، اما پاسخ **تحف العقول** این خواهد بود که آرامش مردم در این است که بدون اظهار حاجت نزد حاکم، مشکل و حاجتشان برآورده شود و این بر حاکم سخت و گران می‌آید. تفاوت این دو پاسخ همان اخلال معنایی است که در این تقطیع، رخ داده است.

جمع بندی و پیشنهادها

از آنچه گذشت می‌توان نکات زیر را به عنوان نتیجه ارائه کرد:

الف. در کنار هم قرار گرفتن و مقایسه سه نقل جداگانه عهدنامه، به عنوان اولین قدم در مسیر تشکیل خانواده حدیث، می‌تواند سهم بسزایی در کشف آسیب‌های متن ایفا کند.

ب. نتیجه در کنار هم قرار دادن یافته‌هایی چون: اضافات فراوان و گاه بسیار مهم و برجسته متن *تحف‌العقول*، قرابت نسبی متن *نهج‌البلاغه* و *نهایة‌الایرب*، تفاوت متون سه‌گانه در موارد متعدد حتی گاه بدین شکل که ابتدای یک جمله از تحف با نهج شبیه بوده و با نهایه تفاوت دارد و انتهای جمله کاملاً برعکس، وجود اضافات اختصاصی برای هر سه متن، این خواهد بود که رابطه بین هیچ‌کدام از این سه متن، رابطه عموم و خصوص مطلق نخواهد بود. به علاوه این ادعا که منابع مورد استفاده این سه کتاب متفاوت بوده‌اند، نیز تأیید یا دست کم قابل طرح خواهد بود.

ج. در مقایسه این سه متن، بیش از چهل مورد تصحیف، بیست مورد درج، دست کم پنج مورد سقط و حدود هفتاد مورد تقطیع امکان پذیر بوده و محتمل است.

د. در پژوهش‌های موضوعی و حتی مساله‌محور، اکتفا به یک متن، خصوصاً اکتفا به *نهج‌البلاغه* - که متأسفانه به جهت شهرتش امری متداول شده است - مشکل ساز خواهد بود و اگر پژوهشگر را به اشتباه و خطا در وادی نظریه پردازی نیندازد، دست کم از بسیاری از نکات مهم باز می‌دارد. ضرورت تشکیل خانواده حدیث در این گونه موارد به خوبی حس می‌شود.

ه. به نظر می‌رسد توجه به هدف نویسنده یا گردآورنده یک کتاب و سنجش میزان ارتباط این هدف با هدف پژوهشگری که از کتاب استفاده می‌کند، لازم و ضروری باشد؛ به ویژه در مواردی که پژوهشگر می‌خواهد به یک کتاب اکتفا کند؛ مثلاً اگر پژوهشگر حوزه مسائل حکومتی بخواهد بر *نهج‌البلاغه‌ای* که با جهت و گرایش بلاغی گردآوری و حتی تقطیع شده است، اکتفا کند، به نظر می‌رسد به نتیجه مطلوب و واقعی نرسد. در چنین مواردی رجوع به مقدمه کتاب برای شناخت هدف نویسنده و روش وی در پژوهش و تدوین کتاب، می‌تواند راهنمای خوبی برای حل این موضوع باشد.

با توجه به اهمیت بالای عهدنامه مالک اشتر و لزوم رسیدن به متنی کاملاً استوار و تصحیح شده و با هدف غنای هر چه بیشتر یافته‌های این مقایسه، خصوصاً یافته‌های فقه

- الحدیثی آن، پیشنهاد می‌شود چنین پژوهشی با گستردگی بیشتر از سه جهت انجام شود:
۱. در محدوده این سه کتاب، به جای مقایسه نسخ چاپی، نسخ معتبر خطی *نهج البلاغه* و *تحف العقول* مورد بررسی، مقایسه و سنجش قرار گیرد؛
 ۲. علاوه بر این سه کتاب، متون گزیده‌ای از عهدنامه - که در کتب دیگر، به ویژه کتب پیش از *نهج البلاغه* و *تحف العقول* وجود دارد - در مدار این پژوهش قرار گرفته و مورد مقایسه قرار گیرد؛
 ۳. تأثیرات این تفاوت‌ها و اضافات در ترجمه‌ها و شرح‌های عهدنامه بررسی شود.

